



<https://ssoss.ui.ac.ir/?lang=en>

Strategic Research on Social Problems

E-ISSN: 3041-8623

Vol. 14(1), 1-20

Received: 30.12.2024 Accepted: 02.03.2025

Research Paper

Investigating the Relationship between the Possibility of Participation in the Future and the Desire to Emigrate from Iran (Case Study: Students at the University of Guilan)

Reza Alizadeh* 

Assistant professor in the Research Institute of Guilan Studies, University of Guilan, Rasht, Iran
rezaalizadeh@guilan.ac.ir

Introduction

Emigration of elites and students represents a significant challenge for Iranian society. Structural weaknesses have driven many educated youth to seek a better future abroad. This study aimed to examine the relationship between the likelihood of participation and the desire to emigrate from Iran among students at the University of Guilan, utilizing the theory of relative deprivation and focusing on the dimension of participation. Official statistics indicated that the trend of students leaving Iran had increased over the past 20 years, rising from 29th place in 2003 to 17th in the world by 2022. The primary destinations for Iranian students included the United States, Germany, Turkey, and Canada.

Materials & Methods

This research employed a quantitative approach, utilizing a survey technique and a questionnaire as the primary tools for data collection. The statistical population consisted of all students at the University of Guilan. The sample size was calculated using Cochran's formula, resulting in a total of 384 participants. Random cluster sampling was implemented in this study.

Discussion of Results & Conclusion

The findings of this study indicated that the desire to emigrate was moderately high, while political, economic, and social participation levels were relatively low. A significant relationship existed between the potential for political, social, and economic participation and the desire to emigrate. Specifically, as opportunities for participation decreased, the desire to emigrate among students increased. Notably, the desire to emigrate varied according to the field of study, with students in technical disciplines exhibiting a stronger inclination to leave, while those in the Faculty of Agriculture demonstrated a lower desire compared to their peers. There were no significant differences in emigration aspirations between male and female students or across various academic

levels. Multivariate path analysis revealed that social participation had the most direct impact on the desire to emigrate. Political participation influenced this desire both directly and indirectly, whereas economic participation primarily exerted an indirect effect. As valuable members of the society, the students bore various post-graduation responsibilities. However, their lack of integration into societal systems had often led to exclusion from decision-making processes, creating conditions that fostered emigration.

The departure of educated individuals imposed substantial costs on the political system. While some attributed the emigration of skilled professionals to globalization and cosmopolitanism—suggesting that these individuals rationally sought better financial opportunities—the results indicated that the potential for social and political participation significantly influenced emigration trends more than economic factors did. Weak social participation highlighted serious deficiencies in the civil conditions of the society. Social participation was fundamentally linked to individuals' social status; therefore, attention had to be given to the social standing of students, ensuring they felt respected and impactful within their communities. The data suggested

*Corresponding author

Alizadeh, R. (2025). Investigating the relationship between the possibility of participation in the future and the desire to emigrate from Iran (Case Study: Students at the University of Guilan). *Strategic Research on Social Problems*, 14(1), 1-20. <https://doi.org/10.22108/srsp.2025.143823.2067>

3041-8623/ © University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC-ND/4.0/ License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).



<https://doi.org/10.22108/srsp.2025.143823.2067>

that the students' negative perceptions regarding social participation underscored the urgent need to reform trust-building processes, facilitate membership in non-governmental organizations, and institutionalize social freedoms. Furthermore, the lack of opportunities for political participation had diminished political legitimacy among students, restricting their access to political parties, associations, and policymaking. To enhance social participation, it was essential to create a safe environment for social activities, strengthen social trust, and support student organizations. To increase political participation, policymakers should consider solutions, such as enabling involvement in political decision-making, strengthening

political parties and organizations, and reducing political restrictions. For improving economic participation, it is vital to focus on creating suitable job opportunities, supporting research and innovation, and addressing economic inequalities. Additional recommendations include strengthening educational and research systems, fostering a sense of belonging and national identity, alleviating psychological and social pressures, and promoting hope for the future.

Keywords: Students, Desire to Emigrate, Possibility of Participation, University of Guilan.



پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی
سال چهاردهم، شماره پیاپی (۴۸)، شماره اول، ۱۴۰۴، ص ۱-۲۰
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲

مقاله پژوهشی

بررسی رابطه امکان مشارکت در آینده و تمایل به مهاجرت از ایران (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه گیلان)

رضا علیزاده^{id}، استادیار پژوهشکده گیلان‌شناسی دانشگاه گیلان، رشت، ایران

rezaalizadeh@guilan.ac.ir

چکیده

مهاجرت نخبگان و دانشجویان یکی از جدی‌ترین چالش‌های جامعه ایرانی است. ضعف‌های ساختاری بخشی از جوانان تحصیل کرده را مجبور به جلالی وطن کرده تا آینده بهتر را در کشورهای دیگر جست‌وجو کنند؛ بنابراین، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه امکان مشارکت و تمایل به مهاجرت از ایران در دانشجویان دانشگاه گیلان با استفاده از نظریه محرومیت نسبی و تأکید بر بُعد مشارکت آن انجام پذیرفت. این پژوهش از لحاظ روش، پژوهشی کمی است و داده‌ها با حجم نمونه ۳۸۴ دانشجو با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی و به وسیله پرسش‌نامه جمع‌آوری شده است. طبق یافته‌های پژوهش تمایل به مهاجرت، متوسط رو به بالا و مشارکت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی متوسط رو به پایین است. بین امکان مشارکت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و تمایل به مهاجرت رابطه معنادار وجود دارد و با کاهش امکان مشارکت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تمایل به مهاجرت در دانشجویان افزایش می‌یابد. تمایل به مهاجرت باتوجه به دانشکده محل تحصیل دانشجویان تفاوت معنادار دارد. میزان تمایل به مهاجرت در دانشجویان فنی بیشتر و در دانشجویان دانشکده کشاورزی کمتر از سایرین است. تمایل به مهاجرت در دانشجویان دختر و پسر، همچنین باتوجه به مقطع تحصیلی دانشجویان تفاوت معناداری ندارد. باتوجه به تحلیل مسیر چندمتغیره، مشارکت اجتماعی بیشترین اثر مستقیم را بر تمایل به مهاجرت دارد. همچنین مشارکت سیاسی دارای اثرات مستقیم و غیرمستقیم و مشارکت اقتصادی نیز دارای اثرات غیرمستقیم بر تمایل به مهاجرت است.

واژه‌های کلیدی: دانشجویان، تمایل به مهاجرت، امکان مشارکت، دانشگاه گیلان

*نویسنده مسئول

علیزاده، رضا. (۱۴۰۴). بررسی رابطه امکان مشارکت در آینده و تمایل به مهاجرت از ایران (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه گیلان). پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی، ۱۴(۱)، ۱-۲۰. <https://doi.org/10.22108/srsp.2025.143823.2067>



3041-8623/ © University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC-ND/4.0/ License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).



<https://doi.org/10.22108/srsp.2025.143823.2067>

مقدمه

مهاجرت جوانان امروزه به پدیده‌ای رایج در سراسر جهان تبدیل شده است. بسیاری از جوانان تصمیم می‌گیرند تا خانه و کشور خود را در جست‌وجوی فرصت‌ها، چالش‌ها و تجربیات جدید در خارج از کشور ترک کنند. دلایل مهاجرت جوانان باتوجه به شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هر کشور متفاوت است. جوانان و دانشجویان با نبوغ، خلاقیت و پویایی تمایل بیشتری برای ادغام در جوامع جدید دارند. آنها ذاتاً ریسک‌پذیر و پیش‌تاز و در زمان بحران بسیار انعطاف‌پذیرتر از سایر گروه‌های سنی هستند. همچنین موضوع مهاجرت بین‌المللی در سال‌های اخیر یکی از موضوعات کلیدی در جهان بوده است. در سطح جهانی، تعداد افرادی که از مرزهای بین‌المللی عبور می‌کنند، از ۱۷۶ میلیون نفر در ابتدای قرن به ۲۷۲ میلیون نفر در سال ۲۰۱۹ افزایش یافته است و تغییر در جهت جریان‌های مهاجرت نیز منجر به ظهور مقاصد جدید و الگوهای جابه‌جایی اجباری شده و با این حال، توجه نسبتاً کمی به روند مهاجرت و به‌ویژه محرک‌های جوانان شده است (Belmonte et al., 2020: 18). از نظر محققان دلایل ترک خانه متفاوت است و دلایل مختلفی برای مهاجرت جوانان ذکر کرده‌اند. غلبه بر احساس نارضایتی و جست‌وجوی رفاه (Van Hear et al., 2016)، یافتن امنیت (Belmonte et al., 2020) و در ایران هم وجود نداشتن آزادی اقتصادی و سیاسی (شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی، ۱۳۹۲)، تأثیر جو دانشگاه و نظام ارزشی دانشگاه (شهریاری‌پور و همکاران، ۱۳۹۶)، ارزیابی منفی از شرایط داخلی کشور در ابعاد مختلف (فیروزی و همکاران، ۱۳۹۹)، تأثیر عوامل فرهنگی کشور (راه‌سوخو و همکاران، ۱۳۹۱) و دستیابی به فرصت‌های شغلی و تحصیلی مناسب (فروتن و شیخ، ۱۳۹۶) دلایل گرایش به مهاجرت ذکر شده است. یکی از مؤلفه‌های بسیار مهم در کاهش تمایل به مهاجرت امکان مشارکت در جامعه است (صادقی و همکاران، ۱۳۹۷؛ قانع‌راد، ۱۳۸۹). محققان اذعان دارند که مشارکت فرایند توانمندسازی است که می‌تواند باعث شود افراد احساس کنند که بر موانع سیاسی، اقتصادی و روانی برای دستیابی به تغییر

در زندگی خود کنترل دارند. از دهه ۹۰ میلادی ادبیات نظری مشارکت غنی‌تر شد و به همه ابعاد جامعه تسری پیدا کرد. مشارکت موجب می‌شود که افراد احساس کنند توانایی تغییر در جامعه را دارند. مشارکت، عملی اثرگذار در حکمرانی است و بسیاری از متفکران، تحصیلات را یکی از اصلی‌ترین متغیرهای اثرگذار بر مشارکت عنوان کرده‌اند (اینگلهارت، ۱۳۷۳؛ لرنر، ۱۳۸۳؛ Almond & Verba, 1963)؛ در همین راستا مشارکت جوانان به‌خصوص دانشجویان به‌عنوان اقشار تحصیل‌کرده و آگاه از اهمیت درخور توجهی برخوردار است. دانشجویان به دلیل شرایط سنی و تحصیلی و همچنین با نگاه کمال‌گرایانه و آرمان‌گرایانه انگیزه‌های زیادی برای حضور در جامعه دارند؛ بدین لحاظ تأمین خواسته‌های این قشر باید در اولویت نظام حکمرانی کشور باشد. آمارهای رسمی نشان می‌دهد که روند خروج دانشجویان از ایران در ۲۰ سال گذشته رو به افزایش بوده و از رتبه ۲۹ در سال ۲۰۰۳ به رتبه ۱۷ جهان در سال ۲۰۲۲ رسیده است و مقاصد اصلی دانشجویان ایرانی کشورهای آمریکا، آلمان، ترکیه و کانادا بوده است (مرکز رصد فرهنگی کشور، ۱۴۰۲). نکته تأمل‌برانگیز در بحث مهاجرت آن است که دانشجویان مصمم‌ترین گروه در بین همه گروه‌های متقاضی مهاجرت هستند (رصدخانه مهاجرت ایران، ۱۴۰۱). مهاجرت دانشجویان و نخبگان به معنای از دست دادن نیروهای تحصیل‌کرده و متخصص است که می‌توانند در توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور نقش بسزایی ایفا کنند. این پدیده به‌عنوان «فرار مغزها» شناخته می‌شود و باعث کاهش سرمایه انسانی کشور می‌شود و توسعه ایران را با مخاطرات جدی مواجه می‌کند. مقاله حاضر تلاشی است برای سنجش امکان مشارکت دانشجویان در آینده کشور و رابطه آن با میزان تمایل به مهاجرت از ایران. همان‌طور که آمارها نشان می‌دهد سرعت مهاجرت دانشجویان و نخبگان در ایران سرعت فراوانی گرفته است و عدم مواجهه مناسب با این پدیده آینده ایران را با مخاطره روبه‌رو خواهد کرد. موانع گوناگونی برای قشر تحصیل‌کرده در ایران وجود دارد که موجب کاهش ماندگاری آنان شده است؛ موانعی مانند ضعف

در مشارکت سیاسی و اجتماعی، مشکلات اقتصادی و بیکاری، محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی، ضعف در نظام آموزشی و پژوهشی، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی موجب شده است تا جوانان تحصیل کرده راهی کشورهای دیگر شوند و زندگی بهتر را در جاهای دیگر جست‌وجو کنند (قانع‌راد، ۱۳۸۹)؛ اما به نظر می‌رسد عدم امکان مشارکت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در آینده کشور در تسریع مهاجرت تأثیر بسزایی دارد. عدم امکان مشارکت برای دانشجویان تأثیرات منفی زیادی بر آنان دارد که مهم‌ترین آن ایجاد یأس و ناامیدی از تغییر و بهبود شرایط است؛ بنابراین، مقاله حاضر تلاشی است تا رابطه این متغیرها را در بین دانشجویان دانشگاه گیلان بررسی کند. دانشگاه گیلان در حال حاضر با ۱۴ دانشکده و یک واحد پردیس و دو پژوهشکده با بیش از ۶۰۰ عضو هیأت علمی، حدود ۵۰۰ کارمند و بالغ بر ۱۸ هزار دانشجو و به‌عنوان بزرگ‌ترین مرکز آموزش عالی در منطقه شمال کشور مشغول به فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی است. تحقیق تلاشی است برای شناختن ابعاد جدیدی از متغیرهای اثرگذار بر تمایل به مهاجرت در بین آینده‌سازان جامعه ایران که غفلت از آنان پیامدهای منفی به همراه خواهد داشت.

پیشینه پژوهش

نویخت و رستمعلی‌زاده (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «تعیین‌کننده‌های زمینه‌ای و ساختاری تمایل به مهاجرت از کشور در بین جوانان: مطالعه‌ای در شهر بوشهر» با روش تحقیق کمی و تکنیک پیمایش با ابزار پرسش‌نامه به این نتیجه رسیدند که تمایل مهاجرتی مردان، افراد متأهل، افرادی که در خانواده‌های پرجمعیت حضور دارند و همچنین اشخاصی که درآمد بالاتری دارند در مقایسه با دیگر افراد بالاتر است. براساس نتایج تحلیل رگرسیونی، متغیرهای ساختاری و متغیرهای زمینه‌ای ۶۶ درصد از خواست مهاجرتی نسل جوان را تبیین می‌کنند. باتوجه به مدل نظری، متغیرهای محیطی (نابرابری، امید به آینده) و مجردبودن به‌عنوان متغیر زمینه‌ای و

سطح خرد، بالاترین اثرگذاری را در تبیین تمایل به مهاجرت نسل جوان دارند و درمجموع نابرابری مهم‌ترین تبیین‌کننده است. صادقی جعفری و شینی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تمایل به مهاجرت از ایران و عوامل مؤثر بر آن در دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه اصفهان» با روش تحقیق پیمایشی و با نمونه ۲۱۵ نفری نشان دادند که میانگین نمره تمایل به مهاجرت ۳/۲ از ۵ و از حد وسط مقیاس بزرگ‌تر است. همچنین مشخص شد که درگروه تحصیلی علوم انسانی، میل به مهاجرت کمتر از گروه‌های مهندسی و علوم پایه است و وضعیت اقتصادی فرد تأثیری بر میزان میل به مهاجرت ندارد. نمودار مدل معادله ساختاری، اثر غیرمستقیم تعلق دینی و اعتماد نهادی را بر تمایل به مهاجرت و اثر مستقیم تعلق اجتماعی را بر این متغیر نشان داد. با افزایش تعلق دینی، میل به مهاجرت کاهش می‌یابد و اعتماد نهادی بیشتر می‌شود. با افزایش اعتماد نهادی، تعلق اجتماعی افزایش می‌یابد و میل به ماندن بیشتر می‌شود. رضایی و صادقی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «سودای مهاجر؛ تمایل ایرانی‌ها به مهاجرت و عوامل تعیین‌کننده آن» با استفاده از تحلیل ثانویه داده‌های خرد پیمایش ملی سرمایه اجتماعی با تعداد نمونه ۱۴,۲۰۰ نفر ساکن در مناطق شهری و روستایی ایران نشان دادند که حدود یک‌چهارم پاسخ‌گویان میل به مهاجرت از ایران دارند. افرادی که در سودای مهاجرت از ایران هستند، بیشتر مرد، مجرد، جوان، تحصیل‌کرده دانشگاهی با رضایت اجتماعی پایین، متعلق به طبقه اجتماعی متوسط و بالا و ساکن در شهرهای بزرگ هستند؛ ازاین‌رو، بیشتر افراد دارای میل به مهاجرت را افراد تحصیل‌کرده، ماهر و متخصص تشکیل می‌دهند؛ بنابراین، سودای مهاجرت در میان ذهنیت ایرانی‌ها، به‌ویژه نسل جوان- شکل گرفته است و این وضعیت می‌تواند منجر به افزایش حجم مهاجرت‌های بین‌المللی از کشور شود. افشاری و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر گرایش جوانان تهرانی به مهاجرت خارج از کشور» نشان دادند که متغیر سرمایه اجتماعی بیشترین تأثیر را بر روی میزان گرایش

به مهاجرت جوانان دارد؛ به این معنا که هر چقدر سرمایه اجتماعی کمتر باشد، گرایش به مهاجرت زیاد می‌شود. هریک از متغیرهای میزان تحصیلات، سن و درآمد به‌طور مستقیم در گرایش به مهاجرت جوانان تأثیر داشتند. نتایج تحلیل نشان داد که کاهش سرمایه اجتماعی باعث افزایش گرایش جوانان به مهاجرت می‌شود. صادقی و حسینی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «میزان تمایل جوانان به مهاجرت بین‌المللی و عوامل تعیین‌کننده آن در شهر تهران» با اجرای پیمایش مقطعی و ابزار پرسش‌نامه ساخت‌یافته در میان ۳۸۵ نفر از جوانان ۱۵-۲۹ ساله نشان دادند که نیمی از جوانان بررسی‌شده تمایل زیادی به مهاجرت بین‌المللی دارند و همچنین حدود ۴۰ درصد نیز تصمیم به مهاجرت گرفته‌اند و اروپای غربی و آمریکای شمالی از مقاصد عمده مهاجرتی است. مهم‌ترین دلایل انتخاب آنها جاذبه‌های فرهنگی-اجتماعی، آموزشی و اقتصادی بوده است. نتایج تحلیل چندمتغیره نشان داد که جنسیت، تحصیلات، وضعیت اشتغال، شبکه اجتماعی و میزان مطلوبیت جامعه مبدأ تأثیر معناداری بر میزان تمایل و قصد مهاجرت بین‌المللی دارند. طاهری و کاظمی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «تمایل به مهاجرت در بین جوانان؛ مطالعه‌ای کیفی در تصاویر آینده» پژوهشی با روش کیفی و با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با استفاده از روش تحلیل مضمون انجام دادند. نتایج نشان داد که سه تم اصلی یعنی: (۱) تصاویر ویران‌شهری از مبدأ؛ (۲) پیروی از یک همه‌گیری برای رفتن و (۳) جاذبه مقصد، تصاویر قوی محرک مهاجرت به شمار می‌آیند. در این میان، بیشترین و درخور ملاحظه‌ترین سهم مربوط به تصاویر ویران‌شهری از مبدأ است. طبق یافته‌های پژوهش کنابی و حوسم (۲۰۲۴) در مقاله‌ای با عنوان «دلایل مهاجرت جوانان به خارج از کشور در پرتو تئوری‌های مهاجرت» نداشتن فرصت‌های شغلی و حقوق کافی یکی از دلایل مهاجرت جوانان است. مهاجرت برای جوانان موجب افزایش درآمد خانواده می‌شود. همچنین شبکه‌های مهاجرت از طریق شبکه‌های اجتماعی تأثیر زیادی

بر مهاجرت جوانان دارد. ثبتی و رامالو^۲ (۲۰۲۴) در مقاله‌ای با عنوان «عوامل فشار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی کشور و قصد مهاجرت از عراق» با نمونه‌ای متشکل از ۴۶۰ پزشک شاغل در بیمارستان‌های خصوصی و دولتی عراق نشان دادند که مشکلات مالی و بی‌ثباتی اقتصادی تأثیر مستقیم مثبتی بر قصد مهاجرت دارد؛ اما تأثیر مستقیم بی‌ثباتی سیاسی، فساد، نارضایتی از زندگی و مشکلات رفاهی خانواده بر قصد مهاجرت ناچیز است؛ علاوه‌براین، تأثیر مثبت مستقیم مشکلات مالی، بی‌ثباتی اقتصادی، بی‌ثباتی سیاسی و فساد بر پریشانی روانی درخور توجه است؛ به همین ترتیب، تأثیر مشکل بهزیستی خانواده بر پریشانی روانی نیز معنادار است، درحالی‌که تأثیر نارضایتی از زندگی بر پریشانی روانی معنادار نیست. همچنین تأثیر مستقیم پریشانی روانی بر قصد مهاجرت معنادار است. کریستو و آکویی^۳ (۲۰۲۳) در مقاله‌ای با عنوان «تحقق آرزوهای رؤیا: انگیزه‌های مهاجرت به جلو» انگیزه‌های فردی و گروهی مهاجرت ایتالیایی-پاکستانی‌ها و ایتالیایی-بنگلادشی‌ها به شمال انگلستان را پس از اخذ شهروندی ایتالیا بررسی می‌کند. به نظر می‌رسد که در مهاجرت‌های پیچیده آنها نوعی عمد مبتنی بر طراحی وجود داشته است که به تأثیر سیاست‌های اروپا و ایتالیا نسبت داده می‌شود. این تحقیق با استفاده از روش کیفی و تکنیک گروه کانونی با ۴۸ شرکت‌کننده نشان داد که متغیرهای تحصیلی، مذهب، هویت اجتماعی و فرهنگ همراه با رفاه، امنیت و اشتغال انگیزه‌های مهاجرت آتی شرکت‌کنندگان بوده است. کارابچوک و همکاران^۴ (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان «رضایت از زندگی و تمایل به مهاجرت: تحلیل فراملی چه چیزی را نشان می‌دهد؟» توضیح می‌دهند که چگونه رضایت از زندگی و شادی بر قصد مهاجرت تأثیر می‌گذارد. این مطالعه با تجزیه و تحلیل تجربی داده‌های نظرسنجی جهانی گالوپ برای ۱۲۷ کشور در سال ۲۰۱۷ ارتباط منفی بین رضایت از زندگی (در سطح فردی و کشوری) و تمایل به مهاجرت را تأیید

² Sabti & Ramlu

³ Cristo & Akwei

⁴ Karabchuk et al.

¹ Kanabi & Husem

که بحران تأثیر درخور توجهی بر تصمیمات تحرک در میان پاسخ‌دهندگان در پرتغال دارد، اما در جمهوری ایرلند این گونه نیست.

تمامی تحقیقات حاضر تمایل به مهاجرت و عوامل مؤثر بر آن را بررسی کرده‌اند. تمرکز اصلی این تحقیقات بر جوانان و دانشجویان است که به‌عنوان گروه‌های اصلی دارای تمایل به مهاجرت شناخته می‌شوند. تأثیرگذاری عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زمینه‌ای فصل مشترک همه پژوهش‌های بررسی شده است. تحقیقات حاضر از نظر موضوعی و روشی شباهت‌های زیادی دارند؛ اما در عوامل بررسی شده، روش‌های تحقیق و جمعیت مطالعه شده تفاوت‌های چشمگیری دیده می‌شود. برخی تحقیقات بیشتر بر عوامل ساختاری و زمینه‌ای تمرکز کرده‌اند، درحالی که برخی دیگر به عوامل فردی و روانی توجه کرده‌اند. همچنین، تفاوت در روش‌های تحقیق (کمی در مقابل کیفی) و جمعیت مطالعه شده (جوانان ایرانی در مقابل گروه‌های خاص مانند پزشکان یا مهاجران بین‌المللی) از دیگر تفاوت‌های محتوایی و روشی این تحقیقات است. مقاله حاضر امکان مشارکت سه‌گانه را بررسی می‌کند؛ موضوعی که در تحقیقات پیشین به آن کمتر توجه شده است. درضمن مطالعه مستقلی درباره دانشجویان دانشگاه گیلان صورت نگرفته است.

چارچوب نظری

چندین نظریه در گذشته برای توضیح علت وقوع مهاجرت ارائه شده است. مهاجرت به‌عنوان وسیله‌ای برای تغییر وضعیت زندگی بد فعلی به شرایط زندگی بهتر در نظر گرفته می‌شود که تمایل طبیعی انسان برای بقا است. تئوری بازار کار دوگانه، نظریه مهاجرت نئوکلاسیک، نظریه اقدام و نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده تعدادی از نظریه‌هایی هستند که بیشتر در مطالعات مهاجرت به آنها اشاره می‌شود. تحقیقات تجربی نشان داده است که معیارهای نسبتاً پیش‌بینی‌پذیر، افراد را تشویق می‌کند که کشور خود را ترک کرده و به کشورهای میزبان توسعه‌یافته‌تر نقل مکان کنند (Baruch et al., 2007).

می‌کند؛ علاوه‌براین، رضایت از زندگی در کشور، توسعه انسانی و سطوح نابرابری جنسیتی به‌عنوان تعدیل‌کننده رضایت از زندگی در سطح فردی در تمایل به مهاجرت عمل می‌کنند. قربانف بسکویچ و همکاران^۱ (2022) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر اینترنت بر آرزوها و نیت مهاجرت» به بررسی رابطه بین دسترسی به اینترنت و آرزوها و نیت مهاجرت در آفریقا می‌پردازد. این تحلیل براساس نظرسنجی ملی گالوپ در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ در ۲۹ کشور آفریقایی نشان می‌دهد که دسترسی به اینترنت به‌طور مثبت با تمایل به مهاجرت به خارج و آمادگی برای مهاجرت پس از کنترل ویژگی‌های اجتماعی و جمعیت شناختی پاسخ‌دهندگان مرتبط است. میلای^۲ (2020) در مقاله‌ای با عنوان «چه چیزی باعث می‌شود که جوانان قصد مهاجرت به خارج از کشور را داشته باشند؟ شواهد از داده‌های نظرسنجی بین‌المللی» با استفاده از داده‌های نظرسنجی در سطح فردی از نظرسنجی جهانی گالوپ در ۱۳۹ کشور در دوره‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۶ با بررسی طیف گسترده‌ای از عواملی که به‌طور بالقوه میل جوانان (۱۵ تا ۳۴ ساله) به مهاجرت را نشان می‌دهد عواملی مانند داشتن تحصیلات پس از متوسطه، بیکاربودن و کار پاره‌وقت غیرارادی، تمایل جوانان به مهاجرت به خارج از کشور را افزایش می‌دهد. داشتن انتظارات منفی درباره چشم‌انداز اقتصادی، تعداد فرصت‌های شغلی موجود و چشم‌انداز تحرک شغلی رو به بالا باعث افزایش تمایل به مهاجرت به خارج از کشور در بین جوانان بیکار و نیز در بین جوانان شاغل می‌شود. نتایج همچنین نشان می‌دهد که محرومیت مادی و عوامل زمینه‌ای، مانند نارضایتی از امکانات محلی و دولت‌های ملی تمایل جوانان به مهاجرت به خارج از کشور را افزایش می‌دهد. کرنز^۳ (2017) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تحرک دانشجویی و مهاجرت فارغ‌التحصیلان: تمایلات تحرک در مقطع کارشناسی در دو شرایط بحران اقتصادی» دانشجویان کشورهای پرتغال و ایرلند را بررسی می‌کند. داده‌ها نشان داد

¹ Grubanov-Boskovic et al.

² Milasi

³ Cairns et al.

تأثیرات جذب و دفع می‌تواند هم‌زمان وجود داشته باشد، به‌طوری‌که یک فرد به دلیل پیشینه محیطی و نیز چشم‌انداز اقتصادی یا مالی موجود در کشور توسعه‌یافته یا مقصد تحت تأثیر قرار می‌گیرد (Van hear et al., 2018). عوامل فشار تأثیر بیشتری بر افراد با توانایی‌های حرفه‌ای و تجربه کاری دارند (Gungor & Tanseh, 2014). در حال حاضر، علل جامعه‌شناختی یا اقتصادی بر ایده‌های مهاجرت غالب است. در تحقیقات مختلف از نظریات بحران منزلتی، جاذبه و دافعه، دوگانگی ساختار، امید و مهاجرت برای تحلیل مهاجرت استفاده شده است؛ اما به مطالعه تأثیر مشارکت بر تمایل به مهاجرت کمتر توجه شده است.

مشارکت در فرهنگ لغت فارسی به معنای مشارکت‌کردن و انبازی‌کردن است و در فرهنگ‌نامه علوم اجتماعی به معنای داشتن سهمی در چیزی و سودبردن از آن یا شرکت‌کردن در گروهی و همکاری داشتن با آن است (بیرو، ۱۳۷۰: ۲۵۷). در دوره پس از جنگ جهانی دوم این گرایش به وجود آمد که مشارکت را به حوزه‌هایی جز سیاست نیز تسری دهند؛ برای مثال به آموزش عالی. یکی از تقاضاهای عمده همه اعتراض‌های دانشجویی اواخر دهه ۱۹۶۰ و همین‌طور اواخر دهه ۱۹۸۰ خواست مشارکت در نظام دانشگاه بود. چیزی که اهمیت و دامنه بیشتری دارد، گرایش به مشارکت در صنعت و تجارت بوده و از اواخر دهه ۱۹۷۰ مشارکت در حکومت‌های محلی است (آوتویت و باتامور، ۱۳۹۲: ۸۳۶). مشارکت می‌تواند در برخی از نظامات سیاسی به‌عنوان استراتژی استفاده شود و در برخی سیستم‌ها هدف به حساب آید. مشارکت راهی برای کاهش تنش‌ها و تعارضات در داخل حکومت‌ها بوده و در بسیاری از دانشگاه‌ها از مشارکت دانشجویان برای غلبه بر اثرات نامطلوب تعصب نژادی استفاده می‌شود (Wengert, 1976: 25-27). وریا درباره اهمیت مشارکت اشاره می‌کند: «مشارکت مکانیزمی برای نمایندگی است. ابزاری که به‌وسیله آن مقامات حکومتی از ترجیحات و نیازهای مردم مطلع می‌شوند و به آن ترجیحات و نیازها پاسخ می‌دهند؛ به عبارت دیگر پاسخ‌گویی سیستم به نیازها و ترجیحات

شهروندان، موضوع هنجاری کلیدی و پراهمیتی است که به آن پرداخته می‌شود» (Teorell, 2006: 789) مشارکت دارای اشکال مختلفی است؛ برای مثال مشارکت اجتماعی ریشه در ساخت روابط گروهی و در سطوح محلی و ملی دارد و در نهایت مبتنی بر فرایندی است که طی آن اطمینان و همبستگی میان مردم برقرار می‌شود (محسنی و جاراللهی، ۱۳۸۲: ۱۳). مشارکت اجتماعی دارای دو بُعد ذهنی و عینی است. بُعد ذهنی بیانگر تمایل به مشارکت است و بُعد عینی به صورت عضویت، نظارت، اجرا و تصمیم‌گیری بروز می‌کند (موسوی، ۱۳۸۴: ۳۰۸). بُعد دیگر مشارکت عبارت است از مشارکت سیاسی. مشارکت سیاسی عبارت از فعالیت ارادی و داوطلبانه است که از طریق آن اعضای جامعه بر روند تصمیم‌گیری‌ها و خط‌مشی‌های مربوط به جامعه تأثیر می‌گذارند (باتامور، ۱۳۹۴: ۸۳۷).

مشارکت سیاسی رفتاری فراتر از رأی‌دادن در انتخابات است. از نظر میل برایت مؤلفه‌های مشارکت سیاسی عبارت‌اند از: داشتن مناصب عمومی یا حزبی، نامزدی برای منصب، حضور در گروه یا یک جلسه مهم و استراتژیک، عضویت فعال در یک حزب سیاسی، مشارکت در یک کمپین سیاسی، تماس با یک مقام دولتی یا یک رهبر سیاسی، کمک پولی به یک حزب یا نامزد (Berk Orkun & Mustafa Eray, 2020: 2). سومین نوع مشارکت، اقتصادی است. تحقیقات قبلی نشان داده است که اشتغال و مشارکت اقتصادی برای رفاه یک جمعیت حیاتی است (Adnane, 2021) مشارکت اقتصادی شاخص و فاکتور کلیدی در تبیین شکل و ساختار نیروی کار در کشورها و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای آینده بازار کار است. این شاخص همچنین برای فهم و درک بازار کار طبقات متفاوت جمعیتی استفاده می‌شود. براساس یک تئوری سطح و الگوی مشارکت نیروی کار به فرصت‌های اشتغال و تقاضای درآمد وابسته است که ممکن است از یک طبقه افراد به طبقات دیگر متفاوت باشد (بنی‌هاشمی و محمدی، ۱۳۹۰: ۱۳۸). یکی از تئوری‌هایی که به پدیده مهاجرت درخصوص مهاجرت نخبگان، دانش‌آموختگان

خوشه‌ای تصادفی استفاده شده است؛ بدین ترتیب که هر کدام از دانشکده‌ها (ادبیات و علوم انسانی، مدیریت، مکانیک، فنی، هنر و معماری، کشاورزی، علوم پایه، علوم ریاضی، پردیس، تربیت بدنی، فنی مهندس شرق و منابع طبیعی) به عنوان یک خوشه در نظر گرفته شد و داخل هر خوشه به شیوه تصادفی جمع‌آوری داده انجام شد. نوع اعتبار ابزار پژوهش، صوری و محتوایی است. پس از بررسی پرسش‌نامه و تأیید اعتبار آن، گویه‌های مدنظر به منظور سنجش پایایی، در قالب پرسش‌نامه تنظیم و به شکل تصادفی بین ۳۰ نفر از اعضای جامعه آماری توزیع شد و سرانجام، گویه‌های دقیق‌تر انتخاب شد. ضرایب آلفا در جدول ۱ گزارش شده است. پس از گردآوری داده‌ها ابتدا داده‌ها وارد نرم‌افزار spss شد و بعد از خطایابی و ساختن شاخص‌های لازم، توصیف و تحلیل داده‌ها انجام شد.

جدول ۱- پایایی سنجی متغیرهای پژوهش

Table 1- Reliability measurement of research variables

شاخص	تعداد	آلفا
تمایل به مهاجرت	۷	۰,۸۷
مشارکت سیاسی	۱۱	۰,۷۸
مشارکت اجتماعی	۹	۰,۷۲
مشارکت اقتصادی	۱۱	۰,۷۳

تعریف مفهومی و عملیاتی

مشارکت به معنای شرکت دوجانبه و متقابل برای انجام امری است. مشارکت ممکن است مقطعی یا پایدار، اخلاقی یا غیر اخلاقی، تحمیلی یا داوطلبانه، آزاد یا خودجوش و کنترل‌شده باشد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۱۱). مشارکت دارای ابعاد مختلفی است؛ یکی از آنها مشارکت اجتماعی است؛ مشارکت اجتماعی از انواع مهم مشارکت محسوب می‌شود و انواع انجمن‌ها و سازمان‌های غیردولتی از عرصه‌های مشارکت اجتماعی هستند. مشارکت اجتماعی در این عرصه‌ها از عضویت و انجام دادن فعالیت‌ها تا پذیرش مسئولیت‌ها را در بر می‌گیرد (قانع‌راد و حسینی، ۱۳۸۴). منظور از مشارکت سیاسی، طیفی از رفتارهایی است که هدفشان تأثیرگذاری بر «نهادهای سیاسی، فرایندها و تصمیم‌گیری در سطح محلی،

و دانشجویان می‌پردازد، نظریه محرومیت نسبی استارک است. براساس این نظریه افراد برای رفع محرومیت‌های خویش از امکانات مادی و معنوی اقدام به مهاجرت می‌کنند. فردی که تمایل به مهاجرت پیدا می‌کند، شرایط اجتماعی و اقتصادی خود را در مبدأ و مقصد تطبیق می‌دهد. گرایش جوانان به مهاجرت از انتظارات و ارزش‌های ذهنی آنان نشئت می‌گیرد و در صورت احساس محرومیت دست به مهاجرت می‌زنند (Stark & Bloom, 1985: 173-178). در نظریه استارک مهاجرت پاسخی به محرومیت نسبی است. در ابتدا بحث درآمد و دستمزد در این اندیشه بسیار پررنگ بوده است؛ به عبارتی این نظریه بر پیکربندی درآمدها و نقش آن در ترغیب افراد تحصیل کرده به مهاجرت تأکید داشت (Haas, 2021)؛ اما در مطالعات جدیدتر مفهوم اجتناب از «تحقیر اجتماعی» به این نظریه اضافه شد. به طوری که در چارچوب تعادل عمومی نشان داده شده است که تا زمانی که مهاجرت بتواند به اندازه کافی تحقیر را کاهش دهد، مهاجرت حتی بین دو اقتصاد یکسان نیز رخ خواهد داد (Stark & wang, 2000). در مطالعات دیگر وانگ ابعاد محرومیت را که در افزایش مهاجرت نقش دارند به ۵ دسته تقسیم کرد که یکی از آنها فقدان مشارکت اجتماعی و سیاسی بود یا شی یو در ابعاد ۶ گانه محرومیت به محرومیت اجتماعی اشاره کرد و کالا بوزی در ۴ بُعد محرومیت به عدم اعطای فرصت برای مشارکت فعال در جامعه اشاره کرد (Galabuzi, 2010)؛ بنابراین، براساس این نظریه، زمانی که جامعه به تأمین نسبی نیازهای افراد (ارزش‌ها و امور مطلوب) قادر نباشد، احتمال بروز مهاجرت افزایش می‌یابد (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۸: ۳۶). در مقاله حاضر یکی از ابعاد محرومیت نسبی یعنی تأثیر فقدان مشارکت در تمایل به افزایش مهاجرت‌های بین‌المللی مطالعه شده است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با روش کمی و با تکنیک پیمایش و ابزار پرسش‌نامه انجام شده است. جامعه آماری کلیه دانشجویان دانشگاه گیلان هستند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر تعیین شد. در پژوهش حاضر، از نمونه‌گیری

در سطح کل جامعه اهمیت دارد، به‌خصوص برای جمعیت فعال که بین ۱۵ تا ۶۴ سال قرار دارند (Murray, 2007). مشارکت در پژوهش حاضر در سه بُعد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و با گویه‌های ارائه‌شده در جدول ۲ سنجیده شده است.

منطقه‌ای، ملی یا فراملی» است (Barret & Zani, 2015: 4). مشارکت اقتصادی به مشارکت فرد در کار و/یا آموزش و دسترسی آنها به منابع اقتصادی ناشی از چنین مشارکتی اشاره دارد. به‌طورکلی، مشارکت اقتصادی مزایای مالی، بهداشتی و اجتماعی را برای افراد و خانواده‌ها دارد. مشارکت اقتصادی

جدول ۲- عملیاتی‌سازی مشارکت (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی)

Table 2- Operationalization of participation (Political, Social, Economic)

مشارکت	گویه‌ها
مشارکت سیاسی	به‌راحتی می‌توانم در ارائه نظریات و الگوهای سیاسی جامعه شرکت کنم. در آینده می‌توانم به‌راحتی در سیاست‌گذاری مردم مشارکت داشته باشم. فکر نمی‌کنم بتوانم در آینده به مشاغل و سمت‌های عالی‌رتبه دست یابم. اطمینان دارم در آینده می‌توانم به پست‌های سیاسی و سمت‌های عالی‌رتبه دست یابم. به دلیل فقدان آزادی احزاب در ایران نمی‌توانم در احزاب مشارکت داشته باشم. به دلیل حاکمیت ملاحظات سیاسی در سیستم مدیریتی ایران دستیابی به جایگاه مناسب برای من امکان‌پذیر نخواهد بود. به دلیل فقدان توسعه سیاسی امکان مشارکت مردمی نخبگان وجود ندارد. در آینده به‌راحتی می‌توانم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی کشور شرکت کنم. به‌راحتی می‌توانم از سیاست‌های دولت انتقاد کنم. در سازمان‌ها و احزاب سیاسی به‌راحتی می‌توانم مشارکت داشته باشم. آرا و عقاید خود را به‌راحتی می‌توانم بدون دخالت نهادهای قدرت بیان کنم. اعتماد به مردم باعث می‌شود که به آینده زندگی‌ام در ایران اطمینان داشته باشم. به دلیل ضعف قوانین نمی‌توانم در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت داشته باشم. کمبود فرهنگ مدارا و انتقادپذیری باعث می‌شود که حضورم در آینده ایران مبهم باشد. فضای امن و مناسبی برای نیروهای متخصص ایران وجود خواهد داشت.
مشارکت اجتماعی	در ایران با اصحاب اندیشه و دانشگاهیان برخورد مناسبی نمی‌شود. احساس تعلق خانوادگی‌ام موجب خواهد شد تا زندگی بسیار خوبی داشته باشم. در آینده به‌راحتی می‌توانم با انجمن‌های مختلف همکاری داشته باشم. حتماً در سازمان‌های غیردولتی (NGO) به دلیل کارایی‌شان مشارکت خواهم داشت. به دلیل کاهش اعتماد اجتماعی در بین نخبگان امکان رشد برای من امکان‌پذیر نیست. در آینده به‌راحتی می‌توانم به شغل و پیشه مناسب اقتصادی دست پیدا کنم. با ادامه تحصیل در ایران می‌توانم از دستمزد مناسبی برخوردار باشم. تحریم‌ها در آینده ایران و آینده زندگی من تأثیرگذار نخواهند بود. عدم شایسته‌سالاری و کارآمدی باعث خواهد شد که در آینده مشکلات اقتصادی فراوانی داشته باشم. نابرابری‌های اقتصادی و بی‌عدالتی باعث خواهد شد که نتوانم امنیت شغلی داشته باشم. حتماً برای فرزندانم در آینده امکانات مناسبی فراهم می‌کنم. در ایران هیچ‌وقت نگران از دست دادن کار و شغل خود نیستم. به دلیل گسترش بیمه مناسب و تسهیلات رفاهی امکان زندگی مطلوب در ایران وجود دارد. نظام مالیاتی مناسب موجب ترغیب انسان برای راه‌اندازی کسب‌وکار می‌شود. فرصت‌های شغلی مناسبی برای تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی در ایران وجود دارد. به دلیل رقابت سالم اقتصادی امکان دستیابی عادلانه به ثروت برای تحصیل‌کرده‌ها وجود دارد.
مشارکت اقتصادی	

مهاجرت به تحرک جمعیت از یک محل جغرافیایی به محل دیگر اطلاق می‌شود (کوئن، ۱۳۹۲: ۳۴۰). تمایل به مهاجرت در پژوهش حاضر با گویه‌های ارائه‌شده در جدول ۳ سنجیده شده است.

جدول ۳- عملیاتی‌سازی تمایل به مهاجرت

Table 3- Operationalization of the desire to migrate

دانشجویان	گویه‌ها
تمایل به مهاجرت	خانواده‌ام خیلی مرا به مهاجرت از ایران ترغیب می‌کنند.
	در جمع دوستان دانشگاهی همیشه صحبت از مهاجرت است.
	حال‌وهوای دوستان من حکایت از ترغیب مهاجرت از کشور دارد.
	همیشه به دنبال راهی برای خروج از ایران هستم.
	علاقه‌ای به مهاجرت ندارم.
	به دلیل بی‌ثباتی وضعیت ایران مایلم از ایران بروم.
	باوجود علاقه وافری که به کشورم دارم دوست دارم در اولین فرصت از ایران خارج شوم.

فرضیات پژوهش

فرضیه اصلی

بین امکان مشارکت و تمایل به مهاجرت رابطه وجود دارد. دانشجویان تفاوت معنادار دارد. تمایل به مهاجرت باتوجه به مقطع تحصیلی دانشجویان تفاوت معنادار دارد.

فرضیه‌های فرعی

بین امکان مشارکت سیاسی و تمایل به مهاجرت رابطه معنادار وجود دارد.

یافته‌های پژوهش

در جدول ۴ متغیرهای زمینه‌ای پژوهش نظیر جنسیت، دانشکده محل تحصیل، مقطع تحصیلی، وضعیت بومی و وضعیت سکونت دانشجویان گزارش شده است. بین امکان مشارکت اجتماعی و تمایل به مهاجرت رابطه معنادار وجود دارد. بین امکان مشارکت اقتصادی و تمایل به مهاجرت رابطه معنادار وجود دارد.

تمایل به مهاجرت باتوجه به دانشکده محل تحصیل

جدول ۴- متغیرهای زمینه‌ای پژوهش

Table 4- Background variables of the research

جنسیت	۴۹٫۲ درصد پسر و ۵۰٫۸ درصد نیز دختر
دانشکده محل تحصیل	محل تحصیل ۱۹٫۲ درصد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۶٫۴ درصد دانشکده مدیریت، ۴٫۸ درصد دانشکده مکانیک، ۱۳٫۱ درصد دانشکده فنی، ۵٫۱ درصد دانشکده هنر و معماری، ۷٫۷ درصد دانشکده کشاورزی، ۱۴٫۹ درصد دانشکده علوم پایه، ۴٫۴ درصد دانشکده علوم ریاضی، ۷٫۵ درصد پردیس، ۵٫۳ درصد دانشکده تربیت بدنی، ۴٫۵ درصد دانشکده فنی و مهندسی شرق گیلان و ۵٫۱ درصد دانشگاه منابع طبیعی
	مقطع تحصیلی ۷۴٫۳ درصد دانشجوی مقطع کارشناسی، ۲۳٫۶ درصد در مقطع ارشد و ۲٫۱ درصد در مقطع دکتری مشغول به تحصیل
	وضعیت بومی ۶۴ درصد از دانشجویان بومی و ۳۶ درصد نیز غیربومی
	وضعیت سکونت ۳۳٫۹ درصد ساکن خوابگاه، ۱۰٫۳ درصد ساکن خانه دانشجویی و ۵۵٫۸ درصد با خانواده

توصیف متغیرهای پژوهش

جدول ۵- توصیف متغیرهای پژوهش

Table 5- Description of research variables

متغیرهای پژوهش	میانگین
تمایل به مهاجرت	۳,۴۶
امکان مشارکت	۲,۴۹
امکان مشارکت سیاسی	۲,۳۸
امکان مشارکت اجتماعی	۲,۷۰
امکان مشارکت اقتصادی	۲,۳۸

در نمره‌گذاری، نمره ۱ نشان‌دهنده تمایل کم به مهاجرت و نمره ۵ نشان‌دهنده تمایل زیاد به مهاجرت است، ۱ تا ۲,۳۳

محدوده تمایل پایین، ۲,۳۴ تا ۳,۶۶ تمایل متوسط (نه خیلی کم و نه خیلی زیاد) و ۳,۶۷ تا ۵ محدوده تمایل زیاد است. از آنجایی که میانگین کل تمایل به مهاجرت، ۳,۴۶ به دست آمده است، بنابراین تمایل به مهاجرت در دانشجویان در وضعیت متوسط (بینابین) نزدیک به محدوده زیاد قرار دارد. امکان مشارکت نیز در محدوده متوسط قرار دارد. درواقع مشارکت سیاسی و اقتصادی در دانشجویان متوسط رو به پایین است و مشارکت اجتماعی کمی وضعیت بهتری دارد؛ بنابراین، تمایل به مهاجرت، متوسط رو به بالا و امکان مشارکت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی متوسط رو به پایین است.

جدول ۶- نمره میانگین انواع مشارکت و تمایل به مهاجرت به تفکیک دانشکده

Table 6- Average scores of participation types and willingness to migrate by faculty

دانشکده	امکان مشارکت	مشارکت سیاسی	مشارکت اجتماعی	مشارکت اقتصادی	تمایل به مهاجرت
علوم انسانی، مدیریت و تربیت بدنی	2.58	2.47	2.77	2.43	3.31
فنی و مکانیک	2.42	2.25	2.62	2.38	3.86
هنر و معماری	2.30	2.07	2.63	2.35	3.55
کشاورزی و منابع طبیعی	2.51	2.49	2.76	2.41	3.27
علوم پایه	2.42	2.39	2.66	2.31	3.45
پرديس	2.58	2.54	2.73	2.45	3.11
کل	2.49	2.38	2.70	2.38	3.46

باتوجه به موارد مندرج در جدول ۶ امکان مشارکت در دانشجویان علوم انسانی و پرديس با میانگین ۲,۵۸ بیشتر از دانشجویان سایر دانشکده‌ها و در دانشجویان دانشکده هنر و معماری با میانگین ۲,۳۰ کمتر از سایرین است. میزان تمایل به مهاجرت در دانشجویان پرديس با میانگین ۳,۱۱ کمتر از سایرین است.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

در جدول ۶ امکان مشارکت در دانشجویان علوم انسانی و پرديس با میانگین ۲,۵۸ بیشتر از دانشجویان سایر دانشکده‌ها و در دانشجویان دانشکده هنر و معماری با میانگین ۲,۳۰ کمتر از سایرین است. میزان تمایل به مهاجرت در دانشجویان فنی با میانگین ۳,۸۶ بیشتر از

جدول ۷- آزمون همبستگی رابطه امکان مشارکت و تمایل به مهاجرت

Table 7- Correlation test of the relationship between participation potential and desire to migrate

نوع رابطه	متغیرهای پژوهش		
رابطه معنادار و معکوس	-.592	Pearson	تمایل به مهاجرت /
	.000	sig	امکان مشارکت
رابطه معنادار و معکوس	-0.539	Pearson	تمایل به مهاجرت /
	0.000	sig	امکان مشارکت سیاسی
رابطه معنادار و معکوس	-0.543	Pearson	تمایل به مهاجرت /
	0.000	sig	امکان مشارکت اجتماعی
رابطه معنادار و معکوس	-0.499	Pearson	تمایل به مهاجرت /
	0.000	sig	امکان مشارکت اقتصادی

سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و تمایل به مهاجرت رابطه معنادار معکوس وجود دارد و با کاهش امکان مشارکت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تمایل به مهاجرت در دانشجویان افزایش می‌یابد.

باتوجه به جدول ۷ و سطح معناداری آزمون، بین امکان مشارکت و تمایل به مهاجرت رابطه معکوس وجود دارد و با کاهش امکان مشارکت، تمایل به مهاجرت در دانشجویان افزایش می‌یابد. همچنین بین امکان مشارکت

جدول ۸- آزمون تفاوت تمایل به مهاجرت

Table 8- Test of differences in willingness to migrate

تفاوت	متغیرهای پژوهش		
وجود تفاوت معنادار	۴,۲۲۷	f	تمایل به مهاجرت /
	0.001	sig	دانشکده محل تحصیل
عدم وجود تفاوت معنادار	1.423	f	تمایل به مهاجرت /
	0.242	sig	مقطع تحصیلی
عدم وجود تفاوت معنادار	-0.76	t	تمایل به مهاجرت /
	0.44	sig	جنسیت

دانشکده علوم پایه با میانگین ۳,۴۵، در دانشجویان دانشکده علوم انسانی با میانگین ۳,۳۱ و در دانشجویان دانشکده کشاورزی با میانگین ۳,۲۷ و در جایگاه بعدی قرار دارد. میزان تمایل به مهاجرت در دانشجویان پردیس با میانگین ۳,۱۱ کمتر از سایرین است.

باتوجه به جدول ۸ و سطح معناداری آزمون، تمایل به مهاجرت باتوجه به دانشکده محل تحصیل دانشجویان تفاوت معنادار دارد و این تفاوت قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد. میزان تمایل به مهاجرت در دانشجویان فنی با میانگین ۳/۸۶ بیشتر از سایرین است. این تمایل در دانشجویان دانشکده هنر و معماری با میانگین ۳,۵۵، در دانشجویان

جدول ۹- جدول توصیفی مرتبط با آزمون‌های تفاوت

Table 9- Descriptive table related to difference tests

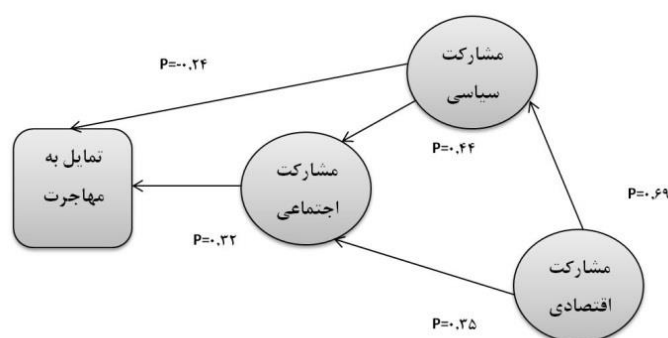
تمایل به مهاجرت / دانشکده محل تحصیل دانشجویان				
max	min	SD	میانگین	دانشکده‌ها
5	1	1.006	3.31	علوم انسانی، مدیریت و تربیت بدنی
5	1.57	0.834	3.86	فنی و مکانیک
5	2.14	0.857	3.55	هنر و معماری
5	1.43	0.950	3.27	کشاورزی و منابع طبیعی
5	1	1.036	3.45	علوم پایه
5	1	1.034	3.11	پرديس
تمایل به مهاجرت / مقطع تحصیلی دانشجویان				
max	min	SD	میانگین	مقطع تحصیلی
5	1	0.98387	3.51	کارشناسی
5	1	0.98490	3.31	ارشد
5	2	1.14985	3.25	دکتری
تمایل به مهاجرت / جنسیت دانشجویان				
خطای میانگین		SD	میانگین	جنسیت
0.071		0.962	3.42	پسر
0.076		1.012	3.50	دختر

پژوهش محدود است. میزان تمایل به مهاجرت در دانشجویان دختر با میانگین ۳/۵۰ اندکی بیشتر دانشجویان پسر با میانگین ۳/۴۲ است.

تحلیل مسیر

براساس تحلیل مسیر انجام شده میزان اثرات مستقیم و غیرمستقیم مشارکت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بر تمایل به مهاجرت در قالب مدل مفهومی نمایان است:

تمایل به مهاجرت با توجه به مقطع تحصیلی دانشجویان معنادار نیست و تفاوت‌ها قابلیت تعمیم به جامعه آماری را ندارد و تنها به همین نمونه‌های جمع‌آوری شده پژوهش محدود است. میزان تمایل به مهاجرت در دانشجویان مقطع کارشناسی با میانگین ۳/۵۱ بیشتر از سایر مقاطع است. این تمایل در دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد با میانگین ۳/۳۱ و در دانشجویان مقطع دکتری با میانگین ۳/۲۵ در جایگاه بعدی قرار دارد. تمایل به مهاجرت در دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنادار ندارد. تفاوت اندک قابلیت تعمیم به جامعه آماری را ندارد و تنها به همین نمونه‌های جمع‌آوری شده



شکل ۱- اثرات مستقیم و غیرمستقیم مشارکت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بر تمایل به مهاجرت

Fig 1- Direct and indirect effects of political, social, and economic participation on the desire to migrate

تمایل به مهاجرت دارد. همچنین مشارکت سیاسی دارای اثرات مستقیم و غیرمستقیم و مشارکت اقتصادی نیز دارای اثرات غیرمستقیم بر تمایل به مهاجرت است.

جدول ۱۰ نشان‌دهنده اثرات مستقیم و غیرمستقیم مشارکت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بر تمایل به مهاجرت است؛ براین اساس مشارکت اجتماعی بیشترین اثر مستقیم را بر

جدول ۱۰- میزان اثرات مستقیم و غیرمستقیم بر تمایل به مهاجرت

Table 10- Direct and indirect effects on the desire to migrate

اثر کل	اثر غیرمستقیم	اثر مستقیم	تمایل به مهاجرت
-۰,۳۲	---	-۰,۳۲	مشارکت اجتماعی
-۰,۱۷	۰,۰۷	-۰,۲۴	مشارکت سیاسی
-۰,۱۵	-۰,۱۱ و -۰,۰۹۷ و ۰,۰۵۲	---	مشارکت اقتصادی

بحث و نتیجه

بر تمایل به مهاجرت است. طبق یافته‌های پژوهش نوبخت و رستمعلی‌زاده (۱۴۰۲) نابرابری، امید به آینده و مجرد بودن بالاترین اثرگذاری را در تبیین تمایل به مهاجرت نسل جوان دارند یا طبق یافته‌های پژوهش ثبتی و رامالو، (2024) مشکلات مالی و بی‌ثباتی اقتصادی تأثیر مستقیم مثبتی بر قصد مهاجرت دارد. پژوهش کنابی و حوسم (2024) نشان داد نداشتن فرصت‌های شغلی و حقوق کافی یکی از دلایل مهاجرت جوانان است؛ بنابراین، داده‌های محققان با عدم امکان مشارکت اقتصادی و تمایل به مهاجرت که در پژوهش حاضر به دست آمد همخوانی دارد. همچنین با یافته‌های پژوهش افشاری و همکاران (۱۳۹۹) که اذعان کرده‌اند متغیر سرمایه اجتماعی بیشترین تأثیر را بر روی میزان گرایش به مهاجرت جوانان دارد، انطباق دارد. براساس نظریات

مقاله حاضر نقش انواع مشارکت را در ماندگاری جوانان تحصیل کرده در کشور بررسی کرده است؛ به بیان دیگر رابطه نقش مشارکت در کاهش تمایل به جوانان موضوع اصلی تحقیق است. طبق یافته‌های پژوهش تمایل به مهاجرت، متوسط رو به بالا و امکان مشارکت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی متوسط رو به پایین است. بین امکان مشارکت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و تمایل به مهاجرت رابطه معنادار وجود دارد؛ یعنی با کاهش امکان مشارکت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تمایل به مهاجرت در دانشجویان افزایش می‌یابد. مشارکت اجتماعی بیشترین اثر مستقیم را بر تمایل به مهاجرت دارد. همچنین مشارکت سیاسی دارای اثرات مستقیم و غیرمستقیم و مشارکت اقتصادی نیز دارای اثرات غیرمستقیم

محرومیت نسبی، جوانان تحصیل کرده دارای ارزش‌های مختلف ذهنی هستند و عدم دستیابی به آنها منجر به واکنش‌های مختلف خواهد شد؛ یکی از ابعاد آن مشارکت در امور جامعه است. مشارکت به عنوان فرایند چندبُعدی تنها به مشارکت سیاسی محدود نمی‌شود، بلکه شامل مشارکت اجتماعی و اقتصادی نیز می‌شود. در این پژوهش، یافته‌ها نشان می‌دهد که کاهش امکان مشارکت در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تمایل به مهاجرت را افزایش می‌دهد. رونالد اینگلهارت (۱۳۷۳) در نظریه تغییر ارزش‌های فرامادی بیان می‌کند که با افزایش رفاه اقتصادی و امنیت مادی، ارزش‌های افراد از مسائل مادی به سمت ارزش‌های پسامادی مانند آزادی بیان، مشارکت سیاسی و کیفیت زندگی تغییر می‌کند. اینگلهارت معتقد است که در جوامعی که سطح رفاه و امنیت بالاتر است، مردم بیشتر به دنبال مشارکت در فرایندهای دموکراتیک و تصمیم‌گیری‌های جمعی هستند. در این پژوهش، یافته‌ها نشان می‌دهد که دانشجویانی که احساس می‌کنند امکان مشارکت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کمتری دارند، تمایل بیشتری به مهاجرت نشان می‌دهند. داده‌ها نشان داد کاهش مشارکت می‌تواند نشان‌دهنده تحقق نیافتن ارزش‌های پسامادی مانند آزادی و مشارکت باشد که منجر به نارضایتی و تمایل به مهاجرت می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مشارکت اجتماعی بیشترین تأثیر مستقیم را بر تمایل به مهاجرت دارد. این موضوع نشان می‌دهد که دانشجویان به دلیل احساس عدم تعلق اجتماعی و نبود فضای مناسب برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، تمایل بیشتری به ترک کشور دارند. از سوی دیگر، مشارکت اقتصادی نیز تأثیر غیرمستقیم بر تمایل به مهاجرت دارد؛ زیرا دانشجویان به دلیل نگرانی‌های اقتصادی و عدم امنیت شغلی، تمایل بیشتری به مهاجرت نشان می‌دهند. این یافته‌ها با نظریه اینگلهارت (۱۳۷۳) همسو است؛ زیرا بر اهمیت مشارکت در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی و اقتصادی تأکید دارند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که برای کاهش تمایل به مهاجرت، باید بسترهای لازم برای مشارکت فعال دانشجویان در ابعاد

مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی فراهم شود. همچنین، بهبود شرایط اقتصادی و ایجاد امنیت شغلی می‌تواند به کاهش تمایل به مهاجرت کمک کند؛ در نهایت، توجه به تفاوت‌های دانشکده‌ای و ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب برای دانشجویان رشته‌های مختلف می‌تواند در کاهش تمایل به مهاجرت مؤثر باشد. در جمع‌بندی می‌توان گفت دانشجویان به عنوان نیروهای ارزشمند جامعه پس از اتمام تحصیل، اداره امور مختلف جامعه را برعهده می‌گیرند؛ ولی جذب نکردن آنان در بدنه سیستم موجب خروج آنان از چرخه تصمیم‌گیری و اجرا می‌شود و همان‌طور که روند جامعه نشان می‌دهد شرایط مهاجرت از کشور را فراهم می‌کند و خروج افراد تحصیل کرده هزینه زیادی برای نظام سیاسی خواهد داشت. هرچند برخی جهانی‌شدن و گسترش جهان وطن‌گرایی را عامل اصلی خروج نیروهای متخصص دانسته و معتقدند نیروی انسانی متخصص با انتخاب عقلانی به دنبال پیشنهادات مالی و اقتصادی بهتر می‌رود؛ اما نتایج نشان داد که امکان مشارکت اجتماعی و سیاسی حتی از امکان مشارکت اقتصادی اثرگذاری بیشتری بر روند مهاجرت دارد. ضعف در مشارکت اجتماعی نشانگر ضعف‌های جدی در وضعیت مدنی جامعه است. مشارکت اجتماعی در اساس به منزلت اجتماعی افراد مرتبط است؛ بدین ترتیب باید به منزلت اجتماعی دانشجویان توجه و آنان را تکریم کرد. باید حس کنند در جامعه اثرگذار هستند و می‌توانند به ساختارهای مختلف اعتماد کنند. داده‌ها نشان داد ارزیابی منفی دانشجویان از امکان مشارکت اجتماعی پایین نشان می‌دهد که باید به اصلاح روندهای اعتمادآور، امکان عضویت در سازمان‌های غیردولتی و نهادینه شدن آزادی‌های اجتماعی فکر کرد و شرایط آن را فراهم کرد. همچنین ضعف در امکان مشارکت سیاسی موجبات کاهش مشروعیت سیاسی را نزد دانشجویان به وجود آورده است؛ یعنی امکان مشارکت در احزاب و انجمن‌های سیاسی و سیاست‌گذاری‌ها برای آنان در آینده فراهم نیست. مشارکت سیاسی متغیر بسیار مهمی برای ایجاد اعتماد سیاسی در جامعه است و اثرات مستقیم و غیرمستقیمی بر انواع مشارکت در

جامعه دارد. داده‌های تحقیق نشان داد که امکان مشارکت چگونه بر تمایل به مهاجرت اثرگذار است. مهاجرت دانشجویان و نخبگان تبعات ناگواری بر جامعه دارد و برای خروج از وضعیت فعلی باید تجدید نظر جدی در سیاست‌گذاری‌ها صورت پذیرد. به‌طوری‌که از حاکمیت شبکه‌های سنتی، خویشاوندسالار و تبعیض‌آمیز دوری جست و امکان مشارکت شایستگان در اداره جامعه را فراهم کرد. در پایان می‌توان به برخی راهکارهای کاربردی و سیاستی برای جلوگیری از افزایش مهاجرت دانشجویان اشاره داشت؛ برای مثال برای تقویت مشارکت اجتماعی ایجاد فضای امن برای فعالیت‌های اجتماعی، تقویت اعتماد اجتماعی، حمایت از شکل‌های دانشجویی در دستور کار قرار گیرد. برای افزایش مشارکت سیاسی راه‌حلی‌هایی مانند فراهم کردن امکان مشارکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، تقویت احزاب و شکل‌های سیاسی، کاهش محدودیت‌های سیاسی مدنظر سیاست‌گذاران باشد. در راستای بهبود مشارکت اقتصادی شاخص‌هایی مانند ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب، حمایت از پژوهش و نوآوری و کاهش نابرابری‌های اقتصادی لحاظ شود. همچنین سیاست‌هایی مانند تقویت نظام آموزشی و پژوهشی، تقویت حس تعلق و هویت ملی، کاهش فشارهای روانی و اجتماعی و ارتقای امید به آینده توصیه می‌شود.

منابع فارسی

ازکیا، م.، و غفاری، غ. ر. (۱۳۸۰). بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان. نامه علوم اجتماعی، ۱۷ (۱۷)، ۳۱-۳۰.
https://jnoe.ut.ac.ir/article_15215.html
 افشاری، ع.، معینی، س. ر.، و انصاری، ح. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر گرایش جوانان تهرانی به مهاجرت خارج از کشور. مطالعه راهبردی ورزش و جوانان، ۱۹ (۴۷)، ۳۰-۹.
https://fasname.msy.gov.ir/article_357.html
 ایران‌دوست، ک.، بوچانی، م. ح.، تولایی، ر. (۱۳۹۲). تحلیل دگرگونی الگوی مهاجرت داخلی کشور با تأکید بر مهاجرت‌های شهری. مطالعات شهری، ۲ (۶)، ۱۰۵-۱۱۸.
 اینگلهارت، ر. (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی

(مریم وتر، مترجم). کویر.
 اوتویت، و.، و باتامور، ت. (۱۳۹۲). فرهنگ علوم اجتماعی (حسن چاووشیان، مترجم). نی.
 باتامور، ت. (۱۳۹۴). نظریه یادگیری (فرهاد ماهر، مترجم). راهگشا.
 بنی‌هاشمی، ف. س.، و محمدی، م. (۱۳۹۰). تحلیل نرخ مشارکت اقتصادی در ایران. بررسی‌های آمار رسمی ایران، ۲۲ (۲)، ۱۳۷-۱۴۶.
 بیرو، آ. (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی (باقر ساروخانی، مترجم). کیهان.
 راهشخور، م.، رفیعیان، م.، و امینی، ا. (۱۳۹۱). بررسی نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی بر مهاجرت دانشجویان ایرانی به خارج از کشور (نمونه موردی: دانشگاه علوم پزشکی پته، شهر پچ کشور میجرستان). پژوهش اجتماعی، ۵ (۱۶)، ۷۳-۹۲.
<https://www.sid.ir/paper/164809/fa>
 رصدخانه مهاجرت ایران. (۱۴۰۱). سالنامه مهاجرتی ایران (شماره ۲۸۴۱۷۱). معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، دانش بنیان فناوری. <https://ircud.ir/fa/content/284171/-1401>
 رضایی، م.، و صادقی، ر. (۱۴۰۰). سودای مهاجرت: تمایل ایرانی‌ها به مهاجرت و عوامل تعیین‌کننده آن. پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، ۱۰ (۱۸)، ۳۵-۶۲.
<https://doi.org/10.22084/csr.2021.21216.1772>
 شاه‌آبادی، ا.، و جامه‌بزرگی، آ. (۱۳۹۲). تأثیر آزادی اقتصادی بر مهاجرت نخبگان از کشورهای منتخب G77 به ایالات متحده آمریکا. پژوهشنامه بازرگانی، ۱۷ (۶۷)، ۱۵۳-۱۸۲.
https://pajooeshnameh.itsr.ir/article_
 شهریارپور، ر.، امین‌بیدختی، ع. ا.، محمدی‌فر، م. ع.، و کیانی، ک. (۱۳۹۵). پیش‌بینی گرایش به مهاجرت دانشجویان نخبه از کشور براساس تأثیر میزان رضایت و نگرش آنان نسبت به تصویر و جو دانشگاه (مطالعه موردی: دانشگاه سمنان). آموزش عالی ایران، ۸ (۳)، ۲۶-۴۹.
<http://ihej.ir/article-1-910-fa.html>
 صادقی جعفری، ج.، و شینی میرزاده، پ. (۱۴۰۲). بررسی تمایل به مهاجرت از ایران و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه اصفهان). مطالعات اجتماعی ایران، ۱۷ (۲)، ۲۹-۵۶.
<https://doi.org/10.22034/jss.2024.2004302.1778>
 صادقی، ر.، و سیدحسینی، س. م. (۱۳۹۸). میزان تمایل جوانان به مهاجرت بین‌المللی و عوامل تعیین‌کننده آن در شهر تهران. مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۱۸ (۴۳)، ۹-۲۶.

c_lang=fa

نویخت، ر.، و رستمعلی‌زاده، و. (۱۴۰۲). تعیین‌کننده‌های زمینه‌ای و ساختاری تمایل به مهاجرت از کشور در بین جوانان: مطالعه‌ای در شهر بوشهر، *انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۱۸ (۳۶)، ۲۶۵-۳۰۴

<https://doi.org/10.22034/jpai.2024.2020272.1324>

References

- Adnane, S. (2021). *Women's economic participation and the impact of regulatory barriers (English)*. Equitable Growth, Finance and Institutions Insight Washington, D. C.: World Bank Group. <http://documents.worldbank.org/curated/en/140781634540887017>
- Afshari, A., Moeini, S. R., & Ansari, H. (2020). The impact of social capital on the tendency of Tehrani youth to emigrate abroad. *Journal of Strategic Studies in Sports and Youth*, 19(47), 9-30. [In Persian] https://fasname.msy.gov.ir/article_357.html
- Almond, G. A., & Verba, S. (1963). *The civic culture; political attitudes and democracy in five nations*. UK: Princeton university press. <https://press.princeton.edu/books/hardcover/9780691651682/>
- Azkiya, M., & Ghafari, G. (2001). Investigating the relationship between trust and social participation in rural areas of Kashan City. *Journal of Social Sciences*, 17(17), 3-31. [In Persian] https://jnoe.ut.ac.ir/article_15215.html?lang=fa
- Bani, H., Fariba, S., & Mohammadi, M. (2011). Analysis of economic participation rates in Iran. *Journal of Official Statistics Surveys of Iran*, 22(2), 137-146. [In Persian] <https://ijoss.srtc.ac.ir/article-1-57-fa.html>
- Barrett, M., & Zani, B. (Edts.). (2015). *Political and civic engagement. multidisciplinary perspectives*. Routledge. https://www.routledge.com/Political-and-Civic-Engagement-Multidisciplinary-perspectives/Barrett-Zani/p/book/9780415704687?srsltid=AfmBOooAVkCH_dODaMy395dw-DMtkI1aQqSaYcd6B-bibXcJokN3JPex
- Baruch, Y., Budhwar, P. S., & Khatri, N. (2007). Brain drain: Inclination to stay abroad after studies. *Journal of World Business*, 42(1), 99-112. <https://doi.org/10.1016/j.jwb.2006.11.004>
- Belmonte, M., Conte, A., Ghio, D., Kalantaryan, S., & McMahon, S. (2020) *Youth and migration: An overview*. Publications Office of the European Union. <https://publications.jrc.ec.europa.eu/repository/handle/JRC122402>
- Berk Orkun, I., & Mustafa Eray, Y. (2020). *A theory of political participation*. Munich Personal RePEc Archive. <https://mpra.ub.uni-muenchen.de/108818>
- Biro, A. (1991). *Dictionary of social sciences* (B. Saroukhani, Trans.). Kayhan Publications. [In Persian]
- Bottomore, T. (2015). *Learning theory* (F. Maher,

https://fasname.msy.gov.ir/article_295.html

صادقی، ر.، غفاری، غ.، و. رضایی، م. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر تمایل به مهاجرت از ایران. *مطالعات جمعیتی*، ۴ (۲)، ۸۳-۱۰۸

https://jips.nipr.ac.ir/article_102534.html

طاهری دمنه، م.، و کاظمی، م. (۱۳۹۷). تمایل به مهاجرت در بین جوانان؛ مطالعه‌ای کیفی در تصاویر آینده. *مطالعات میان‌رشته‌ای در علم و انسانی*، ۱۰ (۴)، ۵۳-۷۸

<https://doi.org/10.22035/isih.2018.292>

فروتی، ی.، و شیخ، م. (۱۳۹۶). بررسی گرایش دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد به مهارجرت بین‌المللی. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۴ (۱۰)، ۶۱-۷۹

<https://doi.org/10.22080/ssi.2018.1735>

فیروزی سوره، ر.، نجاتی حسینی، س. م.، موسوی، ی. و امیرمظاهری، م. (۱۳۹۹). تحلیل اجتماعی تمایل به مهاجرت دانشگاهیان: مطالعه موردی دانشجویان تحصیلات تکمیلی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران. *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش و پرورش*، ۶ (۱)، ۱۴۳-۱۳۲

<https://doi.org/10.22034/ijes.2020.43781>

قانع‌راد، م. ا. (۱۳۸۹). مشارکت سیاسی و اجتماعی نخبگان دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

قانع‌راد، م. ا.، و حسینی، ف. (۱۳۸۴). ارزش‌ها، شبکه روابط و مشارکت در سازمان‌های غیردولتی (مطالعه تجربی در بین جوانان تهران). *جامعه‌شناسی ایران*، ۶ (۳)، ۹۷-۱۲۳

http://www.jsi-isa.ir/article_25404.html?lang=fa

کوتن، ب. (۱۳۹۲). مبانی جامعه‌شناسی (غلامعباس توسلی و رضا فاضل، مترجمان). سمت.

لرنر، د. (۱۳۸۳). گذر جامعه سنتی: نوسازی خاورمیانه (غلامرضا سروی، مترجم). پژوهشکده مطالعات راهبردی.

لهسایی‌زاده، ع. (۱۳۶۸). نظریه‌های مهاجرت. نوید.

محسنی، م.، و جاراللهی، ع. (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی در ایران. نارون.

مرکز رصد فرهنگی کشور. (۱۴۰۲). کتاب وضعیت مهاجرت ایران (بررسی روندهای مهاجرت از ایران و مهاجرت به ایران). پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

موسوی، م. ط. (۱۳۸۴). تحلیل مشارکت اجتماعی در ایران (رویکرد خرد- فرهنگ دهقانی راجرز). *رفاه اجتماعی*، ۵ (۱۹)، ۳۳۰-۳۰۱

https://refahj.uswr.ac.ir/browse.php?a_id=1959&sid=1&sl



<https://doi.org/10.22108/srsp.2025.143823.2067>

- Persian]
- Irandoost, K., Bochani, M. H., & Tavalae, R. (2013). Analysis of the transformation of internal migration patterns in Iran with an emphasis on urban migration. *Urban Studies*, 6(6), 105-118. [In Persian] https://urbstudies.uok.ac.ir/article_5569.html
- Iran Migration Observatory. (2022). *Iran migration yearbook* (No. 284171). Vice Presidency for Science and Technology. [In Persian]
- Karabchuk, T., Katsaiti, M. S., & Johnson, K. A. C. (2023). Life satisfaction and desire to emigrate: What does the cross-national analysis show? *Journal International Migration*, 61(3), 349-372. <http://doi.org/10.1111/imig.13064>
- Kanabi, R. I., & Husem, A. I. (2024). Reasons for youth migration abroad in the light of migration theories it is an analytical theoretical study. *Journal of University of Raparin*, 11(1), 444-463. DOI:10.26750/Vol(11).No(1).Paper18
- Lahsaeizadeh, A. (1989). *Migration theories*. Navid Publications. [In Persian]
- Lerner, D. (2004). *The passing of traditional society: Modernizing the middle east* (G. Sarvi, Trans.). Strategic Research Institute. [In Persian]
- Milasi, S. (2020). What drives youth's intention to migrate abroad? Evidence from international survey data. *Journal of Development and Migration*, 11(1), 1-30. <https://doi.org/10.2478/izajodm-2020-0012>
- Mohseni, M., & Jalalathi, A. (2003). *Social participation in Iran*. Naron Publications. [In Persian]
- Mousavi, M. T. (2005). Analysis of social participation in Iran (Micro-approach: Rogers' peasant culture). *Social Welfare Quarterly*, 5(19), 301-327. [In Persian] https://refahj.uswr.ac.ir/browse.php?a_id=1959&sid=1&slc_lang=fa
- Murray, J. (2009). The wider social benefits of higher education: What do we know about them? *Australian Journal of Education*, 53(3). <https://doi.org/10.1177/000494410905300303>
- Nobakht, R., & Rostamalizadeh, V. (2024). Tendency of youth to international migration: A study of contextual-structural determinants in Bushehr City, Iran. *Journal of Population Association of Iran*, 18(36), 265-304. [In Persian] doi: 10.22034/jpai.2024.2020272.1324
- Outwaite, W., & Bottomore, T. (2013). *Farhang-e 'olum-e ejtemā'i* [Dictionary of social sciences] (H. Chavoshian, Trans.). Ney. (Original work published 1993) [In Persian]
- Rahnama, M. A. (1993). *Peoples self development: Perspectives on participatory action research; a journey through experience*. Zed Books. https://books.google.com/books/about/People_s_Self_Development.html?id=i926AAAAIAAJ
- Rahnema, M. (1990). Participatory action research: The 'last temptation' of saint development. *Alternatives: Global, Local, Political*, 15(2), 199-215. [In Persian] Trans.). Rahgosha Publications. [In Persian]
- Cairns, D. (2017). Exploring student mobility and graduate migration: Undergraduate mobility propensities in two economic crisis contexts. *Social & Cultural Geography*, 18(3), 336-353. <https://doi.org/10.1080/14649365.2016.1180425>
- Cohen, B. (2013). *Fundamentals of sociology* (Gholamabbas Tavassoli & Reza Fadhel, Trans.). SAMT. [In Persian]
- Cristo, N. D., & Akwei, C. (2023). Wish to dream' fulfilment: The motivations for onward migration. *Journal of International Migration and Integration*, 24(3), 989-1016. <https://link.springer.com/article/10.1007/s12134-022-00988-5>
- Cultural Observatory Center of Iran. (2023). *The state of migration in iran: trends in emigration from Iran and immigration to Iran*. Research Institute for Culture, Art, and Communication. [In Persian]
- de Haas, H. (2021). A theory of migration: The aspirations-capabilities framework. *CMS*, 9, 8 <https://doi.org/10.1186/s40878-020-00210-4>
- Firouzi Soreh, R., Najati Hosseini, S. M., Mousavi, Y., & Amir Mazaheri, M. (2020). Social analysis of the tendency to migrate among academics: A case study of graduate students at the Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran. *Sociology of Education*, 6(1), 132-143. [In Persian] <https://doi.org/10.22034/ijes.2020.43781>
- Foroutan, Y., & Sheikh, M. (2017). Investigating the tendency of students at Ferdowsi University of Mashhad. *Journal of Sociology of Social Institutions*, 4(10), 61-79. [In Persian] <https://doi.org/10.22080/ssi.2018.1735>
- Galabuzi, G. E. (2010). *Social cohesion, social exclusion, social capital*. Canadian Electronic Library. Canada. Retrieved on 16 Feb 2025. <https://policycommons.net/artifacts/1194091/social-cohesion-social-exclusion-social-capital/1747215/>
- Ghanei Rad, M. A. (2010). *Political and social participation of elites*. Publications of the Secretariat of the Supreme Council of the Cultural Revolution. [In Persian]
- Ghanei-Rad, M. A., & Hosseini, F. (2005). Values, network of relations and participation in non-governmental organizations. *Iranian Journal of Sociology*, 6(3), 97-123. [In Persian] http://www.jsi-isa.ir/article_25404.html?lang=fa
- Grubanov-Boskovic, S., Kalantaryan, S., Migali, S., & Scipioni, M. (2022). The impact of the internet on migration aspirations and intentions. *Migration Studies*, 9(4), 1807-1822. <https://doi.org/10.1093/migration/mnab049>
- Gungor, N. D., & Tansel, A. (2014). Brain drain from Turkey: Return intentions of skilled migrants. *International Migration*, 52(5), 208-226. <https://doi.org/10.1111/imig.12013>
- Inglehart, R. (1994). *Cultural evolution in advanced industrial society* (M. Vetr, Trans.). Kavir. [In Persian]

- image and atmosphere (Case Study: University of Semnan). *Iranian Higher Education*, 8(3), 26-49. [In Persian]
- Shahabadi, A., & Jamebozorgi, A. (2013). The effect of economic freedom on brain drain from 77 selected countries to U.S.A.. *Iranian Journal of Trade Studies*, 17(67), 153-182.
- Stark, O., & Wang, Y. Q., (2000). A theory of migration as a response to relative deprivation. *German Economic Review*, 1(2), 131-143. <https://doi.org/10.1111/1468-0475.00008>
- Stark, O., & Bloom, D. E. (1985). The new economics of labor migration. *The American Economic Review*, 75(2), 173-178. <https://www.jstor.org/stable/1805591>
- Taheri Demneh, M., & Kazemi, M. (2018). The desire to migrate among young Iranians; A qualitative study on future images. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 10(4), 53-78. [In Persian] doi: 10.22035/isih.2018.292
- Teorell, J. (2006). Political participation and three theories of democracy: A research inventory and agenda. *European Journal of Political Research*, 45(5), 787-810. <https://doi.org/10.1111/j.1475-6765.2006.00636.x>
- Van Hear, N., Bakewell, O., & Long, K. (2018). Push-pull plus: Reconsidering the drivers of migration. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 44(6), 927-944. <https://doi.org/10.1080/1369183X.2017.1384135>
226. <https://www.jstor.org/stable/40644681>
- Raheshkhoo, M., Rafieeyan, M., & Amini, E. (2012). Investigating the effective social and cultural factors on Iranian students immigration to foreign countries (Case Study: Pete Medical Sciences University, Pecs, Hungary). *Social Research*, 5(16), 73-92. [In Persian] <https://sid.ir/paper/164809/en>
- Rezaei, M., & Sadeghi, R. (2021). Migration aspiration of Iranians and its determinants. *Two Quarterly Journal of Contemporary Sociological Research*, 10(18), 35-62. [In Persian] doi: 10.22084/csr.2021.21216.1772
- Sabti, Y. M., & Ramlu, S. S. (2024). Home country economic, political, social push factors and intention to migrate in Iraq: Psychological distress as mediator. *Cogent Business & Management*, 11(1), 2299507. <https://doi.org/10.1080/23311975.2023.2299507>
- Sadeghi Jafari, J., & Sheyni Mirzadeh, P. (2023). Investigating the contributing factors to emigration intension from Iran among postgraduate students at University of Isfahan. *Journal of Iranian Social Studies*, 17(2), 56-29. [In Persian] doi: 10.22034/jss.2024.2004302.1778
- Sadeghi, R., & Seyyed Hosseini, S. M. (2019). Tendency of youth toward international migration and its determinants in Tehran. *Strategic Studies on Youth and Sports*, 18(43), 9-26. [In Persian]
- Shahriyari Pour, R., Amin Bidakhti, A. A., Mohammadi Far, M. A., & Kiani, K. (2016). Predicting the tendency of elite students to emigrate from the country based on the impact of their satisfaction and attitudes toward the University's